

راه‌های رسیدن به کمال نهایی در انسان

صغری بابایی^۱

چکیده

خداوند همه مخلوقات را آفریده تا به کمال برسند؛ در واقع هدف آفرینش رسیدن به کمال است. کمال تلاش و تکاپوی انسان برای به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه است که وقتی انسان حرکت می‌کند به سمت کمال، خود آن حرکت کمال است ولی هنوز به کمال مقصود و نهایی نرسیده، کمال نهایی انسان همان قرب به خداوند و نزدیک شدن به آن کمال مطلق است. راه قرب عبادت است و تنها با عبادت است که انسان می‌تواند به خداوند نزدیک شود. هدف این پژوهش بررسی کمال و راه‌های رسیدن به آن است. روش جمع‌آوری این مطالب از طریق گردآوری و منابع کتابخانه‌ای است که از منابع روایی از جمله: اصول کافی، بحارالانوار و منابع فارسی از جمله: به سوی خودسازی، خودشناسی برای خودسازی، تکامل اجتماعی انسان و... استفاده شده است و در پایان به این نتیجه می‌رسیم که قرب نتیجه عبادت است و عبادتی که همراه با علم، معرفت، ایمان و عمل صالح باشد انسان را به آن کمال نهایی که همان قرب است، می‌رساند.

کلید واژه‌ها: ایمان، عمل صالح، عبودیت، قرب، کمال.

۱. طلبه مقطع سطح ۲، مدرسه علمیه کوثر قزوین، ۰۹۱۰۰۴۳۶۷۸۳.

مقدمه

مسأله کمال یکی از مسائل مهم و اساسی خلقت است. جهان آفرینش بیهوده خلق نشده، جهان را خدای حکیم و توانایی است که آن را برای هدف و غایتی آفریده و این نه تنها انسان است که در آفرینش آن هدف و حکمتی نهفته است، بلکه سراسر جهان آفرینش غایتی را تعقیب می‌کند که به آن خواهد رسید و آن رشد و به فعلیت رسیدن استعدادهایی است که در موجودات به صورت بالقوه نهاده شده تا در نهایت به آن کمال مقصود برسند. بنابراین مسأله کمال از همان آغاز خلقت مطرح بوده و انسان‌ها خلق شده‌اند تا به کمال برسند و هرکس به اندازه ظرفیت وجودی خود و استعداد و تلاش خود از این کمال بهره‌مند خواهد شد.

انسان نیز فطرتاً طالب کمال مطلق است و با کسب کمالات می‌خواهد تا می‌تواند به آن کمال مطلق نزدیک شود. در اسلام کمال آن قدر اهمیت دارد که انسان واقعاً احتیاج دارد که آن کمال واقعی را بشناسد و بداند که از چه راهی به آن خواهد رسید. از این رو شناخت راه رسیدن به کمال نهایی ضروریست.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ^۱؛ ای انسان البته با هر رنج و مشقت در راه

طاعت و عبادت حق بکوشی، عاقبت حضور پروردگار خود می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد.»

بر اساس آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود، یگانه راه رسیدن به کمال نهایی «عبودیت»

است.

۱. اشتقاق، آیه ۶.

اگر خدا را عبادت کنیم به هدف نهایی خلقت انسان، که مد نظر خداوند بوده است، دست یافته‌ایم و آن رسیدن به کمال نهایی است که همان قرب است و این تنها از طریق عبادت دست‌یافتنی است. اثبات این مطلب نیاز به توضیح دارد که در این مقاله به آن می‌پردازیم.

معنای لغوی کمال

کمال در لغت به معنای به دست آوردن یا حاصل شدن آن چه را که غرض و مقصود از چیزی است.^۱ به معنی کمال و تمام،^۲ انجام یافتن،^۳ نیز آمده است و همچنین کمال وصفی است بالاتر از تمام، که گاهی به معنای تمام نیز به کار می‌رود.^۴

معنای اصطلاحی کمال

از حیث اصطلاح می‌توان در تعریف جامعی بیان داشت که کمال حاکی از فعلیت شیء در تمام جهات است و به معنی به فعلیت رسیدن استعدادهای خاصی است که به طور بالقوه در آن موجود قرار داده شده،^۵ و با فراهم آمدن زمینه‌ها و شرایط مساعد موجودات می‌توانند آن استعدادهای بالقوه را به فعلیت برسانند و به کمال مطلوب خود دست پیدا کنند.

بدین‌سان تلاش و تکاپوی طبیعی همه موجودات زنده برای تحقق بخشیدن کامل به استعدادهای درونی آن‌ها است. کمال در حق تعالی به صورت بالفعل موجود است اما در انسان‌ها باید از قوه تبدیل به فعل شود.^۶

۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۷۲۶.

۲. عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۲۱۴.

۳. دهخدا، لغت‌نامه‌ی دهخدا.

۴. قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، ص ۱۴۷.

۵. امین زاده، امام خمینی و اندیشه‌های اخلاقی-عرفانی، ص ۱۴.

۶. گوهرین، شرح اصطلاحات تصوف، ص ۸۹.

انواع کمال

انسان موجودی است دو بعدی که یک بعد آن جسم است و بعد دیگر آن جسم است و بعد دیگر آن روح و هر یک از این دو نیز سیر مخصوص به خود را دارد و هر کدام به گونه‌ای راه کمال را طی می‌کنند، در نتیجه انسان دارای دو نوع کمال است و علما برای انسان قائل به دو نوع کمال هستند که عبارتند از:

۱- تکامل طبیعی و زیستی،

۲- تکامل معنوی؛

تکامل طبیعی و زیستی، تکامل جسم انسان است و تکامل معنوی، کمال روح انسان است.

تکامل طبیعی و زیستی

در زیست‌شناسی مطرح است که انسان را کامل‌ترین حیوان و آخرین حلقه تکامل طبیعی حیوانات دانسته‌اند، و تکامل طبیعی یعنی تکاملی که آن را جریان طبیعت بدون دخالت و خواست خود انسان به وجود آورده است. از این جهت میان انسان و سایر حیوانات تفاوتی نیست، یعنی یک سیر طبیعی جبری قهری، هر حیوانی را به مرحله‌ای رسانده است و انسان را همان جریان به مرحله‌ای رسانده است و انسان را همان جریان به مرحله‌ای که امروز ما او را انسان می‌نامیم و او را نوعی خاص در مقابل سایر انواع می‌دانیم رسانده است.

تکامل معنوی

در تکامل معنوی طبیعت چندان دخالت ندارد. برخلاف تکامل طبیعی که ارثی است و هر دوره به

دوره بعد منتقل می‌شود، کمالات معنوی اکتسابی هستند^۱ و انسان می‌تواند با کسب خصلت‌های پسندیده به انسان کامل تبدیل شود.^۲

ممکن است کسی هم به مقام انسان کمال نرسد و همه صفات پسندیده را نداشته باشد یا پاره‌ای از این صفات پسندیده را بروز دهد. اما انسان به حسب استعداد و به طور بالقوه توانایی داشتن تمام این صفات را دارد^۳ و می‌تواند مظهر کامل اسماء و صفات خدای متعال باشد.^۴

در تحقیق حاضر بحث ما نوع دوم کمال است.

آیا انسان دارای مطلوب نهایی است؟

هر کس در انگیزه‌های درونی و تمایلات روانی خودش دقت کند، خواهد دید که ریشه بسیاری از آن‌ها رسیدن به کمال است. اساساً هیچ فردی دوست ندارد که نقصی در وجودش باشد و سعی می‌کند که هر گونه کمبود و نارسایی و عیب و نقصی را تا سر حد امکان از خودش برطرف سازد تا به کمال مطلوبش برسد، و پیش از برطرف شدن نقص‌ها، آن‌ها را از دیگران، پنهان می‌دارد.

این از خصایص انسان است که دارای خواسته‌های نامحدود باشد و به کامیابی‌های موقت و محدود قانع نمی‌شود.

امیال و خواسته‌های انسانی با این که به امور گوناگونی تعلق می‌گیرند - یکی به قدرت تعلق می‌گیرد و یکی به درک حقایق هستی و دیگری به پرستش و عشق - و هریک از آن‌ها از مجاری متفاوتی تأمین می‌گردند، اما وقتی انسان تعالی یافت و امیال او اوج گرفتند، سرانجام همه آن‌ها به هم می‌پیوندند و ارضای آن‌ها در یک چیز خلاصه می‌شود که عبارت است از ارتباط با سرچشمه بی‌نهایت

۱. مطهری، تکامل اجتماعی انسان، ص ۹.

۲. قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، ص ۱۴۷.

۳. ابراهیمی دینانی، نیایش فیلسوف، ص ۱۴۷.

۴. خمینی، تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، ص ۶۸.

«إِنَّ أَفْضَلَ وَ أَوْجَبَهَا عَلَى الْإِنْسَانِ مَعْرِفَةُ الرَّبِّ وَ الْإِقْرَارُ لَهُ بِالْعُبُودِيَّةِ ... وَ بَعْدَهُ مَعْرِفَةُ الرَّسُولِ وَ الشَّهَادَةُ لَهُ بِالنُّبُوَّةِ. وَ أَدَى مَعْرِفَةِ الرَّسُولِ الْإِقْرَارُ بِنُبُوَّتِهِ وَ أَنَّ بِهِ مِنْ كِتَابٍ أَوْ أَمْرٍ أَوْ نَهْيٍ، فَذَلِكَ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ بِهِ دَرَسْتِي كَهْ بِأَفْضَلِيَّتِي وَ بِأَوْجَبِيَّتِي وَ بِأَمْرِي وَ بِنَهْيِي، مَعْرِفَتِ پروردگار و اقرار به بندگی او است ... پس از شناختِ خدا، معرفتِ رسول و شهادت دادن به نبوت او واجب است و پایین‌ترین حدّ معرفت رسول این است که انسان به نبوت او و این‌که هر چه آورده اعم از کتاب آسمانی یا امر و نهی، از طرف خدای عزّوجلّ است، اقرار و اعتراف نماید.»

خلاصه این‌که خداوند متعال راه بندگی خود را معین فرموده و این راه منحصر است در شناخت برگزیدگان خدا و تسلیم به مقام و منصبی که از جانب پروردگار به ایشان عطا شده است. بنابراین اگر کسی به گمان خود به معرفت خدا و ربوبیت او گردن نهد و خود را در پیشگاه مقدسش تسلیم نماید، اما نسبت به پذیرفتن این راهی که خداوند برای بندگی خود قرار داده، حالت انکار و یا حتی تردید و شک داشته باشد، در حقیقت بنده خدا نبوده، پیروی از هوای نفس و میل و تشخیص خود می‌کند. چنین کسی اگر واقعاً تسلیم پروردگار است، چه انگیزه‌ای او را از پذیرفتن باب بندگی خدا بازداشته است؟! حق این است که او واقعاً خدا را هم به عنوان ربّ، مالک و صاحب اختیار خویش نپذیرفته است.

عمل صالح

در سوره والعصر بعد از سوگند به عصر آمده است:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ؛^۱ که واقعاً انسان دست‌خوش زیان است

مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند.»

قابل توجه این‌که قرآن برای نجات از آن خسران عظیم برنامهٔ جامعی تنظیم کرده؛ در این برنامه اصل اول ایمان است که زیربنای همهٔ فعالیت‌های انسان را تشکیل می‌دهد، چرا که تلاش‌های عملی

۱. والعصر، آیه ۳ و ۲.

انسان از مبانی فکری و اعتقادی او سرچشمه می‌گیرد.

به تعبیر دیگر اعمال انسان تبلوری است از عقاید و افکار او. ایمان در این‌جا به طور مطلق ذکر شده تا شامل ایمان به همهٔ مقدّسات گردد، یعنی از ایمان به خدا و صفات او گرفته، تا ایمان به قیامت و حساب و جزا و کتب آسمانی و انبیای الهی و اوصیای آن‌ها.

اما اصل دوم: عمل صالح ذکر شده که میوه درخت بارور و پرثمرهٔ ایمان است و ایمان به تنهایی سودمند نیست بلکه ایمان باید همراه با عمل صالح باشد. صالحات، مخصوصاً به صورت «جمع» آورده شد، جمعی که با الف و لام همراه است و معنی عموم دارد. که نه تنها عبادات، انفاق فی سبیل الله، جهاد در راه خدا، کسب علم و دانش، بلکه هر کار شایسته‌ای که وسیلهٔ تکامل نفوس و پرورش اخلاق و قرب الی الله و پیشرفت جامعهٔ انسانی در تمام زمینه‌ها شود. این تعبیر حتی کارهای کوچکی هم‌چون برداشتن یک سنگ مزاحم را از سر راه مردم شامل می‌شود، تا نجات میلیون‌ها میلیون انسان از گمراهی و ضلالت و نشر آیین حق و عدالت در تمام جهان باشد.

این آیه بیانگر این است که راه جلوگیری از این خسران ایمان همراه با عمل صالح است و این دو از هم جدا نمی‌شوند و غالباً در آیات قرآن عمل صالح همراه با ایمان آمده است، و به عبارتی این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. ایمان بدون عمل کفایت نمی‌کند و آن ایمانی ثمربخش است که همراه با عمل صالح باشد.^۱

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ۳۰۱-۲۹۹.

نتیجه

انسان خلق شده برای رسیدن به کمال، خلق شده تا به کمال مطلق برسد که همان قرب الی الله است.

خداوند انسان را آفریده تا از طریق عبودیت به کمال برسد و این عبودیت و بندگی منحصر است در شناخت و معرفت خداوند و برگزیدگان او و تسلیم شدن به مقام و منصبی که از جانب پروردگار به ایشان عطا شده است و عبودیت بدون شناخت و ایمان به درگاه الهی قبول نمی‌شود و جز از این راه نمی‌توان به کمال رسید و راه کمال فقط عبودیت است.

عبودیت باید همراه با معرفت و شناخت خداوند و پیامبران باشد.

تنها شناخت و معرفت کافی نیست ایمان نیز باید با آن همراه شود. شناخت بدون شناخت بدون تسلیم و پذیرش فایده ندارد.

ایمان نیز باید همراه با عمل صالح باشد، ایمان بدون عمل نیز فایده ندارد.

شناخت موانعی که در راه رسیدن به کمال وجود دارد نیز ضروری است.

در نتیجه هدف از خلقت عبودیت است، اما هدف و نتیجه عبودیت قرب است، پس قرب هدف و کمال نهایی انسان است.

فهرست منابع

* قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، قم، انتشارات دارالقرآن الکریم.

* نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین.

منابع فارسی

۱. ابراهیمی دینانی، غلامحسین، نیایش فیلسوف، ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۷۷.

۲. امین‌زاده، محمد رضا، امام خمینی و اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی ۲، قم، مؤسسه نشر و

تنظیم آثار امام، ۱۳۸۲.

۳. انصاریان، حسین، زیبایی‌های اخلاق، قم، دارالعرفان، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

۴. بنی‌هاشمی، سید محمد، معرفت امام عصر، انتشارات: نیک معارف، ۱۳۷۷.

۵. خمینی، روح الله، تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، قم، پاسدار اسلام،

۱۴۰۶.

۶. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، سازمان چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.

۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم، مفردات الفاظ قرآن، انتشارات: مرتضوی، ج ۱.

۸. صدرالحفاظی، محمد هادی، شمیم آشنایی، نشر: مولود کعبه، ۱۳۸۰.

۹. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، انتشارات: امیرکبیر.

۱۰. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۶، انتشارات: دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۶.

۱۱. گوهرین، سید صادق، شرح اصطلاحات تصوف، تهران، انتشارات: زوآر.

۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، انتشارات: اسوه.

۱۳. محمدی، حمید، مفردات قرآن، مؤسسه فرهنگی دارالذکر، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی، به سوی خودسازی، قم، انتشارات: مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی^(ع)، ۱۳۸۰.
۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی، خودشناسی برای خودسازی، قم، انتشارات: در راه حق، چاپ دوم.
۱۶. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، ج ۱، ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی، ره توشه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ع)، ۱۳۸۰.
۱۸. مطهری، مرتضی، تکامل اجتماعی انسان، انتشارات: صدرا.
۱۹. مطهری، مرتضی، ولاءها و ولایتها، انتشارات: صدرا، چاپ ششم، ۱۳۷۰.
۲۰. مطهری، مرتضی، آزادی معنوی، انتشارات: صدرا، ۱۳۸۱.
۲۱. مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، انتشارات: صدرا.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
۲۳. مؤمنی، علی، کمال انسان و انسان کامل، قم، آیت اشراق، ۱۳۸۷.

منابع عربی

۲۴. ابن بابویه القمی، ابی جعفر، التوحید، تصحیح السید هاشم الحسینی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۵. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، منشورات المكتبة الإسلامیه، ج ۷۴ و ۷۵، طهران، ۱۳۹۰ ق.